

مناسبات خانات آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر دوره زندیه

محمد رضا نصیری*

سرکشیدند و در نتیجه، ارتباط ایالات و ولایات از مرکز حکومت گسیخته شد (UzunÇarşili, 3/464). در این میان منطقه آذربایجان به علت همجواری با دو دولت قدرتمند آن روزگار یعنی روسیه و عثمانی موقعیت خاصی داشت. و گرجستان نیز در همسایگی ایران مورد توجه حاکمان روسیه و عثمانی بود. دولت ایران بارها با یورشهای بی‌دری گرجستان را تحت سیطره خود درآورده بود و همواره چشم طمع به این منطقه داشت. اراکلی خان، والی گرجستان، در پی ظلم و ستمی که در طول تاریخ از طرف ایرانیان و عثمانیها بر گرجستان وارد شده بود در این کشمکشهای سیاسی تمایل به روسیه داشت و می‌خواست با جلب نظر دولت روسیه از حمایت نظامی وی برخوردار شده و از تعرضات دولتهای ایران و عثمانی در امان بماند. در پی معاهده کوچوک کاینارجا (Küçük kaynarca) که در سال ۱۷۷۴م/۱۱۸۷ق بین روسیه و عثمانی منعقد گردید شبه جزیره کریمه تحت

چکیده: دوره زندیه از دورانه‌های مهم و پرفرازونشیب تاریخ ایران است. یکی از عناصر اساسی و تأثیرگذار تاریخی در این دوره، مناسبات ایران و عثمانی است که بی‌شک تأثیر سیاسی، اجتماعی بر دولت و ملت ایران و عثمانی داشته است. اسنادی که در این مقاله به انتشار آنها پرداخته‌ایم حاوی نامه‌های احمدخان حاکم خوی به سلیمان پاشا والی چلدر، سلمان دنبلی حاکم سلماس به عبدالحمید اول، سلطان عثمانی، فتحعلی خان حاکم قبه به صدراعظم عثمانی، محمدقلی خان به صدراعظم عثمانی، نجفقلی خان حاکم تبریز به سلیمان پاشا والی چلدر است که اشاره به ارتباط حاکمان آذربایجان با سران دولت عثمانی دارد و یا، به عبارت دیگر، بخشی از روابط ایران و عثمانی در دوره زندیه را روشن می‌سازد.

کلیدواژه: تاریخ ایران، زندیه، مناسبات ایران و عثمانی، خانات آذربایجان، بایگانی صدارت عثمانی.^۱

مقدمه

دوره حکومت کریم خان زند با تمام پستی و بلندیهایش دوره نسبتاً آرامی بود که با مرگ وی این آرامش درهم ریخت و مدعیان تاج و تخت از هر گوشه ایران

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی.

آذربایجان که در همجواری گرجستان بود برآمد و با ارسال نامه‌ها و هدایا، حکام آذربایجان را به اتحاد و مقابله با هرگونه تجاوز به سرزمینهای اسلامی دعوت نمود. در این میان، احمدخان، که نسبت به سایر حکام آذربایجان از موقعیت ممتازی برخوردار بود به تقاضای سلطان عثمانی پاسخ مثبت داد و در نامه‌ای به سلطان عبدالحمید عثمانی دفاع از حقوق مسلمین را تضمین کرده و نوشت:

صیانت از سرزمینهای اسلامی و حمایت او در این اوقات که حقیقت نیت فاسده اراکلی در پیشگاه خاطر خطیر والاست ظهور یافته ... که نظر بر اتحاد دین و اینکه کافل حمایه بیضه اسلام و عموم مسلمین می‌باشند استحصال اسباب حمایت و وقایت ممالک آذربایجان بر ذمت همت تاجدارانه واجب و بعد از آن که ما بندگان دولتخواه را علم قطعی بر این مراتب حاصل گردد دلسته غدر و حيلة مشرکین معین نگردید. چنانچه از کفره مخدوله مزبوره نسبت به ممالک عدالت مسالک سلطانی و یا به ولایت آذربایجان علامت سوءقصدی ظاهر گردد ما بندگان دولتخواه، نظر بر تقاضای غیرت دین، با وزرا و امرا و صاحبان الویه و سران سپاه نصرت پناه ممالک قریبالحدود سلطانی اتفاق و جواب ناصواب خدعه و فریب آن طایفه خذلان نصیب را حواله‌زبان تیغ و بذل مجهود بی‌دریغ به عمل آورده باشیم... علی حسب الامر الشریف، با عموم خوانین آذربایجان و وزراء و امرا و صاحبان الویه و سران سپاه ظفر دستگاه ممالک قریبالحدود سلطان متفق‌الهمه و متحدالکلمه گردیده به حرکات متبصرانه قیام و چنانچه از جماعت مخدوله کفره سوء قصدی و حرکتی به ابضا و انحاء ممالک سلطانی و ولایات آذربایجان سمت ظهور یابد به مقابله و مقاتله اقدام نموده، صرف تقدینه و بذل قضا رای مکتت و نهمت خواهم نمود (نصیری، ۱۳۵۴: ۱۱۸-۹۱).

احمد خان دنبلی در نامه دیگری که به صدراعظم عثمانی ارسال داشته بود مجدداً بر اتحاد خود و خانان آذربایجان با دولت عثمانی برعلیه اراکلی، حاکم گرجستان، صحه گذاشته و از اینکه سلطان عثمانی نیرنگ روسها را در تصرف کریمه و قضیه لهستان به وی گوشزد کرده بود سپاسگزاری کرده و اشاره نمود که:

تحت حمایت دولت روسیه درآمد (528, kurat). دولت عثمانی در جهت تجدید قدرت و حاکمیت خود در گرجستان سخت به تلاش افتاد اما در ژوئیه سال ۱۷۸۳ ق/ ۱۱۹۷م بین روسیه و گرجستان معاهده‌ای بسته شد که گرجستان را تحت‌الحمایه روسیه درمی‌آورد. این قرارداد در ژانویه ۱۷۸۴ به امضای کاترین کبیر و اراکلی خان رسید. دولت عثمانی سعی نمود که این قرارداد را برهم زند و به این جهت به روسیه اعلان جنگ داد. در نبردی که بین روسیه و عثمانی درگرفت عثمانیها شکست خوردند و در نتیجه، نفوذ خود را در گرجستان از دست دادند. در این میان اراکلی خان در سال ۱۱۹۳ق/ ۱۷۷۹م به ایروان یورش برد. حسین‌علی خان زیاد اوغلی، حاکم ایروان، از احمدخان دنبلی، حاکم خوی که از نامدارترین و پرنفوذترین حاکمان آذربایجان به شمار می‌رفت، کمک طلبید. احمدخان به همراه سایر حکام آذربایجان به حمایت از حسین‌علی خان برخاست و به اتفاق نجفقلی خان، حاکم تبریز به یاری حاکم ایروان شتافت. اراکلی خان، با اطلاع از حرکت این دو حاکم قدرتمند دست از ایروان برداشت و به تفلیس بازگشت (دنبلی، ۱۳۴۶: ۲/ ۲۰۹-۲۱۰). متعاقب این حرکت احمدخان در نامه‌ای خطاب به سلیمان پاشا، والی چلدر، دفع اراکلی را خاطر نشان ساخت و نوشت:

و در باب الکای ایروان همین که از مصدر جاه و جلال صدراعظم مقرر شده بود دوستدار حسب‌المقرر اعزه و اعیان ایروان را در کمال اطمینان مستمال و خاطر جمع نموده نوعی امیدواری حاصل که ان‌شاءالله تعالی مادام الحیات فریفته خدعه و حیل کفره فجره نگردیده... (نصیری، ۱۳۵۶: ۱۷۰-۱۳۳).

دولت عثمانی که می‌دید در چند مورد از جمله در تضمین استقلال لهستان و حمایت از شبه‌جزیره کریمه شکست خورده است و روسیه با نفوذ خود در گرجستان و با جلب حمایت اراکلی خان مقاصد توسعه‌طلبانه خود را تعقیب می‌کند در جهت جلب حمایت حکام

حکام آذربایجان حاکمیت وی را پذیرفتند. از منابع تاریخی و اسناد موجود در بایگانیهای ترکیه چنین برمی آید که پس از قتل نادرشاه، خانان آذربایجان بیشتر گرایش به دولت عثمانی داشتند تا حکومت مرکزی و ظاهراً در جنگ بصره نیز زمانی که دولت عثمانی با ایران در حال جنگ بود (۱۱۹۰ق) احمدخان دنبلی، حاکم خوی تمایل بیشتر به دولت عثمانی داشته و آمادگی خود را در جهت حمایت از دولت عثمانی اعلام داشته بود (راسم، ۲۹-۱۳۳۷: ۳، ۱۰۵۱) که ظاهراً این امر از نظر دولتمردان عثمانی جدی تلقی نشده بود. به همین موضوع مورخ ترک، احمد جودت نیز اشاره کرده می نویسد:

چون اتحاد خانان آذربایجان با کریم خان برای رجال دولت عثمانی مجهول بود از این رو از طرف صدراعظم نامه‌ای به همراه هدیه به حکام مرزنشین از جمله آخسقه، قارص، ایروان، خوی، تفلیس و چلدر ارسال داشت. اراکلی خان که در آن زمان خود را تحت حمایت دولت عثمانی می دید در جواب صدراعظم عثمانی، نامه‌ای به فارسی توسط گرگین کاتب در معیت مهرداد والی چلدر به صدراعظم عثمانی فرستاد و در آن نامه ضمن اظهار بندگی و شرمندگی وفاداری خود را به دولت عثمانی نشان داد و خاطر نشان ساخت که اگر گاهی طرف دولت ایران را گرفته به خاطر شرایط و موقعیت خاص بوده است و اگر زمانی هم تابع روسیه بوده، به دلیل رفتار بد نعمان پاشا والی پیشین چلدر بود. و امروز که سلیمان پاشا والی چلدر است به دلیل صدق و صفا و طینت پاک که از خود نشان داده همچنان حسن موالات و مصافات بین وی و دولت عثمانی حاصل شده است (جودت، ۱۳۰۹: ۶۲/۲).

همین نامه نشان می دهد که اراکلی خان برای حفظ موقعیت خود و گرجستان در مقاطع مختلف به کشوری که می توانست منافع وی را حفظ نماید گرایش پیدا می کرد اما اراکلی خان در سالهای بعد با توجه به قدرتی که روسیه در منطقه پیدا کرده بود و برای در امان بودن از تجاوزات ایران و عثمانی خود را تحت‌الحمایه روسیه قرار داد. نامه‌هایی که

تنبیهات چند که در خصوص عدم میل کردن به غدر و حیلۀ کفرۀ مخذوله... و احوالات تاتار قریم و قرال له را فرموده بودند باعث مزید تیقظ و آگاهی گردید (نصیری، ۱۳۵۶: همان جا).

متعاقب آن سایر حکام آذربایجان نیز نسبت به تقاضای سلطان پاسخ مثبت دادند و تعهد نمودند که در مقابل:

مکر و کید کفرۀ گرجیۀ ضلالت ارکان غافل نبوده در صیانت و محافظت سرحد و ثغور اهتمام تمام و سعی مالاکلام مبذول دارند.

و بدین ترتیب، حکام آذربایجان چون احمدخان دنبلی، حاکم خوی، فتحعلی خان، حاکم ارومیه، احمدخان، حاکم مراغه، نجفقلی خان، حاکم تبریز، سلمان خان دنبلی، حاکم سلماس، اتحاد خود را با دولت عثمانی در قبال تجاوزات اراکلی خان و روسیه اعلام نمودند (نصیری، ۱۳۵۴: همان جا).

هر چند این اتحاد و روابط سیاسی چندان نپایید و دولت روسیه بر گرجستان حاکم شد و اراکلی خان را تحت حمایت خود قرار داد اما ارتباط خانان آذربایجان با دولت عثمانی، لوئی شانزدهم، پادشاه فرانسه را که تضاد منافع با دولت روسیه داشت بر آن داشت که کنت دوفریر (C.de Ferriere) را به ایران بفرستد و در مورد اتحاد ایران و عثمانی بر علیه دولت روسیه و احیاناً تقویت این موضع گزارشی تهیه نماید.

کنت دوفریر در برگشت به فرانسه (۱۲۰۰ق) گزارشی از وضع ایران تهیه و تقدیم پادشاه فرانسه نمود. در این گزارش به نفوذ نظامی، سیاسی و معنوی احمدخان اشاره کرده و پیشنهاد نمود که دولت فرانسه بهتر است با احمد خان خوئی وارد مذاکره شده و وی را در مقابل آغامحمدخان حمایت نموده تا بتواند تمام ایران را زیر حکم خود درآورد (ریاحی، ۱۳۷۸: ۱۴۹، صدر، کاظم، ۱۳۲۲: ۱۳۱).

این پیشنهاد هرگز عملی نشد چه دولت فرانسه در آتش انقلاب درهم ریخت و احمد خان نیز در این میان به قتل رسید. با ظهور آقامحمدخان در عرصه تاریخ ایران

بدایع نگار سرکار دوستی مدار گردیده و به مصحوب نجات و عزت پناه محمدبیک، عز ارسال پذیرفته بود ورود مسعود ارزانی فرموده از ظهور صحت ذات با برکات کثیرالوجود سامی که عین مقصود دوستکامی است مسرت و سرور غیر محصور رخ نمود و به مراتب، الفت غایبانه به مرتبه‌ای افزود که حوصله گنجای سلک سطور نمی‌تواند بود.

و فقرات چندی که در باب انعقاد سلک جمعیت کفره روسیه - خذلهم الله تعالی والا [...] و استعداد آلات حرب از توپ و جبه‌خانه و سایر مهمات لازمه و اینکه از درون جماعت بی‌عاقبت حرکت و به طریق [...] و از ساحت تغلیس ظهور خواهند نمود کشیده تحریر و بعضی فقرات نیز رجوع به تقریر خانزاده مشارالیه فرموده بودند از مفصل احوالات مزبوره تحریراً و تقریراً مستحضر و فی‌الواقع باعث حرکت عرق غیرت و موجب تحریک عرق حمیت گردید. به قراری که زبانزد اظهار کلک موالات نگار شده بود دفع اعادی دین مبین بر ذمه و رقبه عموم موحدین و مسلمین که متابعت حضرت سید المرسلین می‌باشند داخل و اختصاص به روم و ایران نمی‌دارد. بر کافه اصحاب دین و قاطبه ارباب یقین فرض و فرض عین می‌باشد که درین مقدمه بذل جهد نموده حق مجاهده و اجتهاد به عمل آورده باشد. البته ملازمان سامی درین خصوص به فحوای «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۴ و به موادی «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»^۵ کوی مسابقت به نحوی که ر بوده مساعی جمیله به ظهور خواهند رسانید.

۱. احمدخان دنبلی به سلیمان پاشا والی چلدر.

۲. احمدخان دنبلی پسر مرتضی قلی‌خان و برادر شهبازخان در سال ۱۱۶۷ق به حکومت خوی رسید. وی از نامدارترین و مقتدرترین حاکمان خوی بود که در عصر خود در ایران و اروپا شهرت داشت (ریاحی، ۱۳۷۸: ۱۴۹ به بعد). در گلشن مراد (ص ۲۱۴) آمده است: در زمان کریم‌خان احمد بیگ دنبلی در ازبای حسن خدمت و پکی عقیدت و جان نثاری به خطاب لقب‌خانی و منصب ابالت ولایت خوی سر بلند و حکومت سلعاس را به علاوه لقب خانی به سلمان بیگ - برادر کوچک او - عنایت و شفقت فرمود. احمدخان پس از سی و سه سال حکومت سرانجام در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۰۰ق به قتل رسید.

۳. چلدر: شهری است در مشرق قارص که از جنوب به ارزروم و از غرب به طرابزون محدود است. چلدر تا سال ۱۲۹۴ق جزو دولت عثمانی بود ولی از این تاریخ به بعد به تابعیت دولت روسیه درآمد. (سامی، ۱۳۰۸: ۳: ۱۸۷۸)

* در بازخوانی اسناد هرجا که واژه‌های خواننده نشده با علامت [...] مشخص گردید.

۴. بقره (۲) آیه ۱۴۸: پس در نیکی کردن بر هم دیگر سبقت گیرند.

۵. آل عمران (۳) آیه ۱۲۳: بر یکدیگر پیشی گیرید برای آموزش پروردگار خویش.

پس از این مقدمه ملاحظه خواهد شد بخشی از مکاتبات خانات آذربایجان با سران دولت عثمانی است که در بایگانی صدارت عثمانی در بخش خط همایون محفوظ است. نگارنده این سطور تعدادی از این نامه را برای اولین بار در بین سالهای ۶- ۱۳۵۵ در مجله بررسیهای تاریخی به چاپ رسانیده است که علاقه‌مندان می‌توانند به مجله مزبور مراجعه کنند.^۲

(۱)

نامه احمدخان دنبلی^۱ حاکم خوی به

سلیمان پاشا والی چلدر^۲

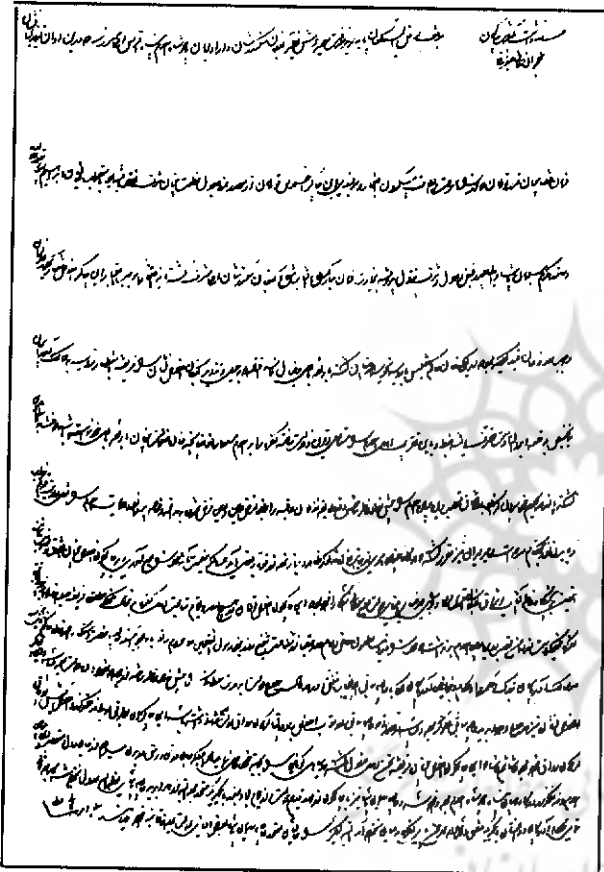
همواره ابواب وزارت و اقبال بر وجنات احوال نیکومال ملازمان عالیجاه رفیع جایگاه، دولت و سعادت و سماحت همراه، عزت و مکرمت و نباهت دستگاه، حشمت و جلالت و فتوت انبیا، محبت و مودت و موالات آگاه، اعنی جناب ارسطو نظام فلاطون مهم، قدوة وزراء عظام و اسوة صدورالکرام، برادر والاگهر ارجمند عالی مقام - دام اقباله و اجلاله - به مقالید و عنایات و تفضلات حضرت واهب متعال گشاده بوده اسباب حشمت و اجلال مستعد و آماده باد.

بعد از افتتاح ابواب دعوات وافیات و پس از تمهید اسباب افتتاح کیفیت خاطر عاطر مصافات علامات که مفتوح دیباچه رساله دوستی و موالات است مشهود و مکشوف رأی اصابت آرای سامی می‌دارد که در هنگامی که شخص خاطر دوستی مظاهر پنجه حواس مؤالفت اساس حلقه کوب دروب استعلام مجاری حالات خیریت علامات و از جهات [...] در مقام استجلاب مسروده مسرت‌افزای النجاج نزهت افزا یعنی وسیله مؤالفت طراز و مراسله واجب الاعزازی که رقمزد کلک جواهر سلک کتاب

۲. مقاله چند سند تاریخی از دوره زندگی و قاجاریه، (نصیری، ۱۳۵۴: ۱۰، ش ۶) متضمن نامه‌های احمدخان حاکم خوی به عبدالحمید سلطان عثمانی و صدراعظم عثمانی و سلیمان پاشا، والی چلدر؛ احمدخان مقدم مراغه‌ای به صدراعظم عثمانی و همچنین در مقاله چند سند تاریخی از دوره زندگی (نصیری، ۱۳۵۶: ۱۲، ش ۳)؛ نامه‌های فتحعلی خان حاکم قبه، سلمان خان دنبلی، جعفرقلی خان حاکم نخجوان به سلیمان پاشاوالی چلدر و محمد درویش پاشا صدراعظم عثمانی، سلمان خان دنبلی به سلیمان پاشا والی چلدر؛ احمدخان حاکم خوی به سلیمان پاشا والی چلدر، آزادخان به صدراعظم عثمانی و یوسف پاشا والی چلدر؛ محمدقلی خان به سلیمان پاشا والی چلدر؛

مظفرالدینا و الدین، قهرمان ماءوالطین، ظلہ اللہ فی الارض، لزالمت دولة الی یوم الدین می‌رساند:

در این اوان میمنت نشان جمیع خوانین عظام و سلاطین و حکام حق و یقین ذوی الاحشام خطہ آذربایجان را به مراحم پیغامات پادشاهانه و به شمول توجهات بلانهایات شاهانه سرافراز و به مکارم بی‌دریغ



ان‌شاءالله تعالی، درین باب به هر نحوی که فکر و رأی رزین دوربین ملازمان سامی اقتضا نماید تخلف ننموده دوستدار نیز آنچه در قوه خود داشته باشد مصروف و مضایقه نخواهد نمود و بعضی سفارشات و پیغامات دوستانه نیز به خانزاده مشارالیها القا نمود. ان‌شاءالله تعالی بعد از ادراک انجمن حضور کثیرالوجد و السرور [...] عالی کشیده رشته عرض و سلک بیان ساخته حالی و خاطر نشان خواهد داشت.

البته بعدالاستحضار رأی صواب نمای سامی به هرچه قرار گیرد بناگذاری نموده در عالم اتحاد مذهب و توافق مسلک به دوستدار نیز اظهار خواهند فرمود که بلاشتباه صرف مقدور خواهد نمود. و در باب اینکه دوستدار معتمدی روانه خدمت و از طرف ذی شرف سامی نیز معتمدی به رفیق و روانه درگاه جهان پناه حضرت پادشاه سپهر دستگاه گردد اظهار فرموده بودند جواب به نمطی است که شفاهاً سفارش شده عرض و حالی خواهد نمود. طریقه انیقه سلم و مصافات چنان است که دوستان را [...] نگرفته مزده عاقبت ذات با برکات سامی را به علاوه و انضمام هرگونه خدمات و مرجوعات واقعه اتفاقیه اعلام درآوردند که ان‌شاءالله شرایط انجام به ظهور خواهید رسید. باقی ایام به کام وزارت و اقبال مستدام باد.* مهر در پشت‌نامه:

سجع مهر: الهی فانشرنی علی دین احمد.

خاقانی و به عنایات از حد افزون قآنی مفتخر و ممتاز فرموده به امیدواری هر یک فرداً فرداً و باسمه فرمان واجب الادعان قضا نظام و رقم مطاع لازم الاتباع قدر انجام از مصدر جاه و جلال و منشأ عز و اقبال شرف اصدار یافته بود در اشرف اوقات به صحابت ملازمان عالی شأن معلی مکان، عزت و سعادت بنیان، سموالمنزله و المعان، ابراهیم بیگ کاتب خزینه بندگان کثیرالتبر و الاحسان، منیع و رفیع

(۲)

از سلمان دنبلی^۷ حاکم سلماس به

عبدالحمید اول سلطان عثمانی^۸

عرضه داشت کمترین بندگان^۹ سلمان دنبلی

به موقف عرض ایستادگان^{۱۰} درگاه عالم پناه، بندگان شوکت و جلالت نشان، دارا دربان کسری پاسبان، قآن زمان، مالک رقاب‌الامم، مولی الملوک العرب و العجم، وارث ملک سلیمان، خاقان البحرین سلطان البرین، خادم‌الحرمین الشریفین، ثانی اسکندر ذی‌القرنین،

* بایگانی صدارت عثمانی، استانبول، خط همایون، ش ۹۴/۱.
۷. سلمان خان دنبلی، برادر کوچک احمدخان دنبلی است.
۸. سلطان عبدالحمید بین سالهای ۱۱۸۶-۱۲۰۳/۱۷۷۴-۱۷۸۹ بر امپراتوری عثمانی حکومت کرده است. (Danışmend, 1972: 4/ 56)
۹. در اصل: بنده گان
۱۰. در اصل: ایستاده گان

پادشاهی و به عون عنایت حضرت الهی به مدافعه و مقابله اعادی دین اقدام در تنکیل و تذلیل مفسران ضلالت قرین و ازمنه کوشش و کشش معمول خواهد گردید. درین وقت که عالی‌شان معزی‌الیه از این اطراف و جوانب مراجعت و به عتبه بوسی درگاه ملایک سپاه بندگان کسری پاسبان پادشاه عالم پناه مسارعت می نمود به تحریر عریضه الاخلاص پرداخته و مؤسس اساس عبودیت و بندگی گردید و استدعا آن که همیشه کمترین اخلاص آمین و عبده خلوصیت قرین را منظور نظر کمی اثر خاقانی فرموده به صدور فرامین مطاع واجب الاطباع بین الامائل و الاقران مباهی و سرافراز فرمایند. باقی امر کم مطاع نافذا فی المطاع.*

مهر در پشت نامه

(۳)

نامه فتحعلی خان "حاکم قبه" به صدراعظم عثمانی

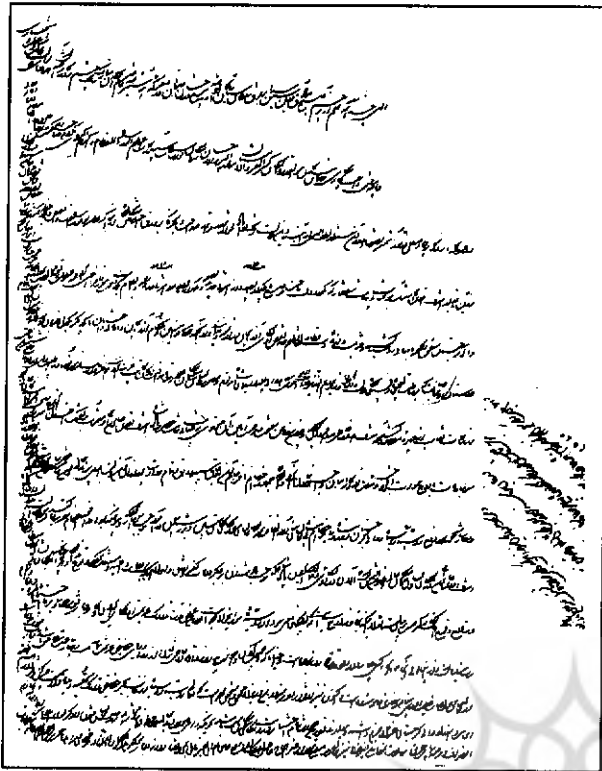
الهی چندان که علم نور پرچم صبح صادق درین سرمیدان بر فرق سلطان سیارگان افراخته و به تیغ درخشان مهر تابان در معرکه پرستیز قبه خیز عالم امکان بر تارک پیک چشم روزگار آخته است، همواره لوای دولت و شوکت و عظمت و بختیاری ماهجه حشمت و ابهت و کامکاری ملازمان بندگان سموالقدر والمکان، کثیر العز و الامتنان موفور البر والاحسان، سهامکان نواب مستطاب سپهر رکاب اعظم الوزراء العظام و اکرم اکرای اکرام، صاحب الحکمت والامرام والامقام - دام اقباله العالی - در عرصه گاه روزگار... صغل عدسوز شمشیر نصرت اندوزان مستظهر لطف الهی از آئینه دین و دولت رشک مدام باد.

* بایگانی صدارت عثمانی، استانبول خط همایون، ش: ۷۳/۲.

۱۱. فتحعلی خان از حاکمان طراز اول قبه و دریند و پدر شیخعلی خان بود که داعیه شروانشاهی داشت. برخی از محققان نیز بر این باورند که خیال سلطنت ایران در سمری پروراندید. در گلستان ارم (ص ۱۷۰) آمده است که فتحعلیخان کره اسباب احتشام واستقلال فراهم داشت به خیال انتظام امور آذربایجان بلکه تمام ایران با اراکلی خان والی گرجستان بنای ملاقات و مشاوره گذاشت... دو والی والاشان در قرب شمگیر یکدیگر را ملاقات و به امید حمایت از دولت روس مواضعه تدبیرات کردند. حین مراجعت تب مزمن به مزاج فتحعلی خان عارض و روز به روز اشتدادپذیر گشت لهذا به سرعت تمام عازم شیروان و از آنجا به باکو نزد خواهر خود روان شده در بیست و دوم مارت سنه ۱۲۰۳ق (۱۷۸۹م) که عمرش به پنجاه و چهار سال رسیده بود رحلت به عالم آخرت نمود.

۱۲. قبه: در سواحل غربی دریای خزر در جنوب داغستان میان باکو و دریند قرار دارد.

ارکان، دستور مکرّم و مشیر مفخّم و نظام العالم، وزیر صاحب تدبیر سلیمان پاشا والی چلدر - ادام الله اجلاله - عزّ وصول پذیرفته از مضامین قضا تضمین آن کمال امیدواری و مباهات حاصل ساخته و درّه التاج تارک اخلاص و گوهر ثمین گوشه اکلیل اختصاص گردید. در مطاوی مرحمت محاوی فرمان قضا جریان امر و مقررّ گردیده بود که ارکلی خان والی تقلیس التجا به روسیه پرتدلیس برده و با مسقولی هم ممهّد و عهد و میثاق و بانی و مبانی شروط یک جهتی و اتّفاق گردیده که نسبت به خیال فاسد و نیت کاسد خود به این مستمسک به خطّه ممالک آذربایجان علی الخصوص به قلعه ایروان و یا به ممالک روم متعرض گشته شاید که منشأ امری گردد، اگر چنانچه ارکلی خان نظر به خیال فاسد خود سوء قصد به سوی ممالک محروسه روم یا به خطّه آذربایجان نماید حسب الامر تمامی خوانین و سلاطین آذربایجان با وزراء شوکت بنیان و امراء جلالت ارکان سلطنت سنیه پادشاهی به صدق و یقین متفق گشته حوزه دین مبین را از تطرّق شرک و کین مشرکین مصون و محروس و بیضه اسلام و ملت متین را از تطاول لوث کفره و فاجرین محفوظ داشته که نقص و قصدی به حوزه دین و شریعت مطهره و کسر و فتوری به بیضه اسلام و ملت بیضا نرسد. چون این امر عظیم موقوف به حسن حمایت پادشاه صاحب شوکت می شود الحمدلله و المنة که ایستادگان دارا دریان درگاه اسلام پناه درین امر خطیر ساعی بوده و ظلّ حمایت و سایه مرحمت بر مفارق ما بندگان صداقت ارکان برانداخته دست امید و تمنای این بنده عقیدت و عبودیت نشان به دامن عظمت و ذیل شوکت مقیمان عتبه علیه رسیده که ان شاء الله و بحول قوه الله به امیدواری تمام و پشت گرمی مالاکلام امنای دولت ابد مدت سده سنیه کرّوی اشتباه به صیانت حال و پاسداری احوال سالکان مسالک دین مبین و سکنه متوطنین ممالک اسلام و المسلمین پرداخته هرگاه غوغا طلبان هنگامه عناد و فتنه انگیزان عرصه فساد از هر کدام طرف قصد به ممالک محروسه اسلام نمایند به اتّفاق امراء ذوی الاقتدار و به مرافقت وزراء شوکت و جلالت کردار دولت علیه



بعد از تمهید قواعد صداقت و یکرنگی بر ورق اختصاص می‌نگارد، از آنجا که نظر به وفور ارادت و اخلاص و به ملاحظه کتور مودت و اخلاص به صدور فرمان قضا جریان همایون سپهر اقتدارالمکان زرین تاجدار اشرف اقدس اعلی مشتمل بر عنایت بی‌نهایت مشفقانه که یک عدد وقت ساعت مرصع با یک هزار و پانصد دانه اشرفی جدید نصفیه و یک هزار و پانصد اشرفی جدید ربعیه و به انضمام یک دست خلعت سمور فاخره اعنی با مراقمه عطوفت رقیمة مخالفت‌پرداز و مکاتبه مرحمت ختامه عنایت ابراز بندگان اینکه، والی گرجستان متفق‌الکلمه با اهالی روسیه گشته و عزیمت دارند که دست تطاول و تظلم جهت نقض اولکای آذربایجان دراز نموده و می‌نمایند و از آن جمله همگی خوانین و حکام آذربایجان و اهالی داغستان با یکدیگر یکدل و همزبان و، به مدافعه و خصومت ایشان در کمال اهتمام همدستان و [...] که به وساطت عالیجاه رفیع جایگاه، دولت و اقبال همراه، وزیر عدیم‌النظیر* خانی جلیل‌الشانی اخوی مقام، والی چلدر سلیمان پاشا که مرقوم و به مصحوب عالیشان معلی مکان جلادت و صداقت ارکان، کاتب خزینه، ابراهیم بیگ عز و ارسال فرموده بودند در اطمینان وقت از اوقات و خوشترین ساعت از ساعات نقاب از چهره مقصود گشوده شرف اندوز خاطر صداقت میدان گردید. و چون مضامین شفقت و مرحمت آیین آن محتوی بر عنایت بی‌غایت حضرت پادشاه اشرف اقدس همایون اعلی [...] اعتدال مزاج مسرت بهجت امتزاج بندگان عالی بود سر مباهات تا اوج سماوات افراخت و مسثلت از درگاه منان واجب الاذعان آن را دارد که، جمهور اخصام نافرجام آن اوجاق سپهر رواق و تمام عداوت پردازان آن دولت ابدی پیوند عالی به عرض عالی حضرت عدالت شعار در مقام خذلان و مقهور باد.

نوعی که برای مدافعه اخصام مقرر و تأکید فرموده بودند البته به دولت و اقبال پادشاه اشرف اقدس همایون اعلی ذرالمکان ذی‌شان سهامکان عالی اظهر من الشمس است که، الان در اولکای و ممالک ایران پادشاهی که موجب [...] دشنه زن بر جگر ارباب کفر و نفاق و اوامری که مسبب ارباب داعیه و مستقل گردد وقوع ندارد. و هرگاه چنانچه بندگان ذی‌شان نواب مستطاب معلی مکانی در قلع و قمع اهل کفار کمر همت بر میان بسته، اولاً اینکه تجاوز از پنج سنه است که پتمکین^{۱۳} نامی سردار روسیه مأمور این حوالی بوده است و در این عرض مدت تدارک عزیمت اولکای ایران و کار و بار قشون خود و سایر ما احتیاج بالمره دیده و اتمام رسانیده است و از اینجا الی آنجا که هرگاه کسی چاروار رود مدت دو روز راه است. و احیاناً که با جمعیت گران وارد شود پنج روز و الا از حاجی ترخان^{۱۴} از روی دریای حضیض عزیمت نماید

و سفارشات بی جهت دفع روسیه روسیه و والی گرجستان روزتبه و سایر اخصام بی‌پناه به عالیشان مشارالیه القا فرموده بودند عالیشان مزبور یکان یکان متبیین و به رشته بیان درآورده موجب استحضار گردید و به

* در اصل: «عدیم‌النظیر»
 ۱۳. پتمکین با ارسال هدایا به اراکلی خان (هراکلیوس) وی را به طرف دولت روسیه جلب می‌نمود و بدین ترتیب، روسها در قفقاز، ایران و ممالک عثمانی دست به تحریکات زده بودند. (راسم، ۱۳۲۷-۲۹: ۸۳، ۱۱۰۰)
 ۱۴. حاجی ترخان (=هشترخان): در جنوب شرقی روسیه و از بندرهای مهم دریای خزر است که در کنار مصب رود ولگا قرار دارد.

عیار عقیدت و اخلاص را به نقش سکهٔ ارادت و اختصاص مطرّز و مزین گردانید، در پیشگاه درگاه جناب ایزد بی‌همال تعالی شأنه به استدعای ازدیاد تقود گنجینهٔ عمر و دولت و اقبال خاقان سلیمان شأن اقدس و

بیست و چهار ساعت راه می‌باشد و پارسال مراتب مزبور را از عالی‌جناب سعادت نصاب، خلیل افندی پیغام و سفارش داده شده است و اکنون نیز از قرار تقدیر مترددین درین ولا محقق و مشخص بوده است که اهالی روسیهٔ روسیه از جانب بحر حضیض تدارک کلیّه دیده و از سمت چرکس^{۱۵} و قزلار هم جهت اعانت و استمداد والی گرجستان عزم را جزم داشته و می‌دارند در این صورت تمام اختیار در دست بندگان سهامکان می‌باشد به نحوی که رأی صوابدید عالی ملاحظه فرماید مختاراند. به هر حال عالیشان فوق‌الذکر بعد از ابلاغ شرایط رسالت عازم انصراف و مرحله پیمای طریق معاودت نموده، این خیرخواه نیز عالیقدر معلی مقدر خیرالحاج، حاجی احمد بیک را فی سلخ همین احوال خیرمآل به مرافقت روانهٔ دربار شوکمدار بندگان اقدس اعلی و بر خود واجب دیده به تحریر این صحیفهٔ الصداقت مبادرت و محرک سلسله ارکان خیرخواهی گردد و بعضی جواب شایسته دولت علیه همایون اعلی بود که تفهیم و تعلیم عالیشان مشارالیه و عالیقدر فرستادهٔ مزبور نمود. ان‌شاءالله در زمان بهره‌مند حضور سعادت بندگان عالی کما هو حقّه عرض و مصدع اوقات خواهد ساخت.

هرگاه اشفاق مرحمت بندگان اقدس همایون اعلی موجب یافتن وسایل عودت اراکلی گردد، یقین که این خیرخواه خود را در خدمات مقررّه معاف نداشته آنچه که باید و شاید لوازم سعی و اهتمام به عمل آورده معمول خواهم نمود. مترصد است که همواره ابواب مکاتبات مشفقانه را مفتوح و به اوراق نوازشانه خاطر ارفع خیرخواه را مسرت‌بخش فرموده باشند. باقی ایّام به کام مستدام باد برّ ب العباد.

مهر در پشت نامه

سجع مهر: «قضا به لوح فلک زد رقم به خط جلی»

« به دهر شقه گشا شد لوای فتحعلی»

اندازه‌نامه: ۳۸/۸x۵۷/۵

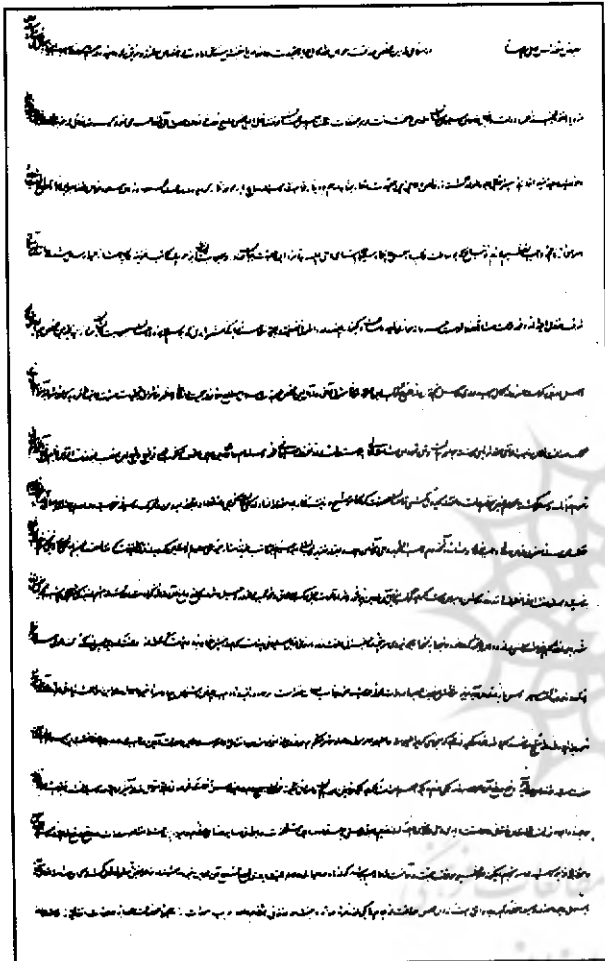
اندازه مهر: ۱/۹x۲/۴

(۴)

نامه محمد قلی خان حاکم ارومیه به
صدراعظم عثمانی

به عرض مقدس عالی می‌رساند:

در هنگامی که این مخلص صداقت خواص نقد کامل



صحت ذات کریم‌الصفات بندگان جلیل‌الشأن فرخنده فال به اوج اقصى مدارج فلک‌الافلاک حصول مآل اشتعال می‌نمود بحمدالله تعالی که ابواب مقاصد بر چهرهٔ ارباب نیاز باز و خورشید سعید امید از دریچهٔ سپهر اقبال طراز گشته زر خالص دعای این عقیدت شعار به مثابه درهم و دینار ثوابت و سیاره رایج بار گوهر نگار گردیده در ساعت محمود و زمان مسعود فرمان قضا جریان مبارک مطاع آفتاب شعاع و سرافراز نامچهٔ واجب التعمظیم لازم‌الاتباع که به وساطت عالیجاه معلی جایگاه

۱۵. چرکس: ناحیه‌ای است بین دریای سیاه و رود کریان و جبال قفقاز.
* بایگانی صدارت عثمانی، استانبول، خط همایون B-۹۴.

گلیم خودشناسی دراز و دهان به لقمه‌ای که درخور او نبوده باز نموده با وجود نیروی سرپنجه صاحبقرانی و قوت زور بازوی اقبال سلیمانی پیداست که چه از پیش خواهد برد. دیر است که گفته‌اند:

درخت کدویی پس از روزگار
کند دعوی همسری با چنار
چه گردد ز دو لابه تاک سیر
رسن باز در گردن آید به زیر^{۱۶}

(نظامی، ص ۱۸۱)

خفاش ضعیف‌البصر را در مرآت محرقه خورشید انور چه تاب امعان نظر است هرگاه در تنبیه و تأدیب چنین اشخاص بی‌پا و سرتأخیر و اهمال رود این امر باعث زیادی جرأت آن خیره‌سر شده امور جزئی رفته رفته متعج مفسد کلیه شده خواهد گردید. از آن جا که به فحوائی کریمه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^{۱۷} بر هر فردی از افراد انسان امثال و اوامر سلاطین معدلت‌آیین واجب و لازم و به ملاحظه تعصب دین اسلام و غیرت آیین حضرت سید الانام صل‌الله علیه وآله دفع و رفع آن ملعون بر ذمه همگی لازم و بلکه اعظم امور است اگر چه همگی خوانین آذربایجان و امثال اینگونه مخلصان به هیچ‌وجه در این موارد سهل‌انگاری نکرده فریفته اقوال خدعه‌آمیز گرجیه و روسیه نشده به تقریب توفیقات دوجوانی و اجراء فرمان قضا نشان خاقانی و معاضدت و یاری والی والاشان چلدر که از قدیم رابطه دوستی با سلسله او در مابین مستحکم است و به اتفاق سایر وزرای عظام و میرمیران حشم احتشام سرحدات در دفع و رفع گرجیه و روسیه به قدرالوسع و الطاقت خواهیم کوشید. اما سرانجام اینگونه مهمّ عظیم موقوف به همت والا نعمت شاهانه می‌باشد که از راه صاحب‌داری و عالم رعیت‌پروری قلع و قمع آن بغی خیره‌سر پیشنهاد خاطر فیض‌گستر خاقانی گشته

سلیمان پاشای والی چلدر به نامزد این عقیدت بنیان صادر و به صحبت عالیشان ابراهیم بیک کاتب خزینه عالیجاه مشارالیه ارسال شده بود مانند لوح آسمانی شرف نزول یافته از وفور مرحمت شاهانه و فرط مکرمت خسروانه موازی یک عدد ساعت و یک‌هزار و پانصد عدد اشرفی نصفیه و ربعیه سکه سنیّه مبارکه شهریاری که به رسم جایزه و احسان به صحبت عالیشان مشارالیه به جهت مخلص بی‌ریا ارسال شده بود واصل و ازین مکرمت خسروانه کمال امیدواری حاصل نه چندان از طلوع کوکب این عطیه ملوکانه مشرق امانی آمال این مخلص عقیدت سگال مطلع‌الانوار بهجت و نشاط و مظهر‌الاشراق تجلیات مسرت و انبساط گردید که لمعه شرم‌ذمه آن را به ستاره‌ریزی کلک صداقت نشان زیب افزای عقد ثریا رشته جواهر بیان توان نمودن ان‌شاءالله تعالی پیوسته دولت روزافزون سلیمانی مخلص و مستدام و اعادی دین مبین مقهور و منکوب بوده توفیق و قیام این منصب فیوضات اقتران به نام رفیع آن مخدوم اشفاق رسوم مبارک و مسعود گشته احکام فیض نظام دولت و اقتدار به جدول‌کشی مدّ احسان حضرت کردگار موشح و زینت نگار باد.

مقدمه افساد اراکلی خان گرجی و تسلط او به قلعه ایروان و تحریک روسیه منحوسیه و اراده بی‌اعتدالی با اهالی آذربایجان و متوطنین ممالک محروسه از مضمون فرمان مطاعه واجب‌الاطاعه و اشاره آن مخدوم و حسب‌التحریر والی والاشان چلدر و به قرار تقریر عالیشان ابراهیم بیک کاتب خزینه مشارالیه همگی معلوم و دلنشین گردید. از قرار تحقیقات که منشأ مفسده یعنی اراکلی خان و میل نمودن به جانب دولت منحوسیه روسیه و استعانت او از آن طرف مانند روز روشن و مبرهن است. اگر چه کوکب اقبال آن لعین پرشور و شر از ظلمات جهل مرکب و برمحاق و عجب و غرور و حيله و شرور به کاخ دماغ آن ضاله گواه متصاعد گشته چشم از بزرگی و کوچکی پوشیده به تحریک نفس اماره شوم پای از حدّ

۱۶. در سرف‌نامه آمده است: درخت کدو تا نه بس روزگار
۱۷. النساء (۴) آیه ۵۹: از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید.

دوستی و اتحاد اعنی نامه نامی و مکاتبه لازم اعزاز گرامی که رقمزد کلک ڈرسلک منشیان عطارده نشان سرکار دوستی مدار گردیده و به صحابت عالیشان محمدییک عز اصدار و ارسال یافته بود فیض وصول و شرف نزول ارزانی داشته از مضامین فقرات مودت علامات آن که گلهای سرور و نشاط در ریاض خاطر دوستی ذخایر آغاز شفتگی و انبساط نمود.

که انشاءالله تعالی این امر به اسهل وجوه مقدور و میسور خواهد گردید. رجا واثق است که این مخلص صداقت فرجام را یکی از زمره خدام با احتشام خاقانی انتظام داده ابواب التفات را به چهره مخلصان خود باز و خدمات اتفاقیه را نگاشته لوحه عطوفت طراز می فرموده باشند. باقی الامر منکم و من مخدومکم. پشت نامه:

هو الله تعالی شأنه العزیز:

معروضه الخلوص سرکار عظمت مدار بندگان جلیل الشأن، شوکت و مجدت و شهامت بنیان، جلالت نبالت نشان، سعادت و دولت و عزت و اقبال هم عنان، ابهت و مناعت و فخامت هم عنان، مقرب الحضرة العلیه العالیه السلطانیه، معتمدالدوله البهیة الخاقانیه، وزیر اعظم و معتمد اکرم ادام الله تعالی اجلاله.*
مهر در پشت نامه
سجع مهر: الواثق بالله محمدقلی

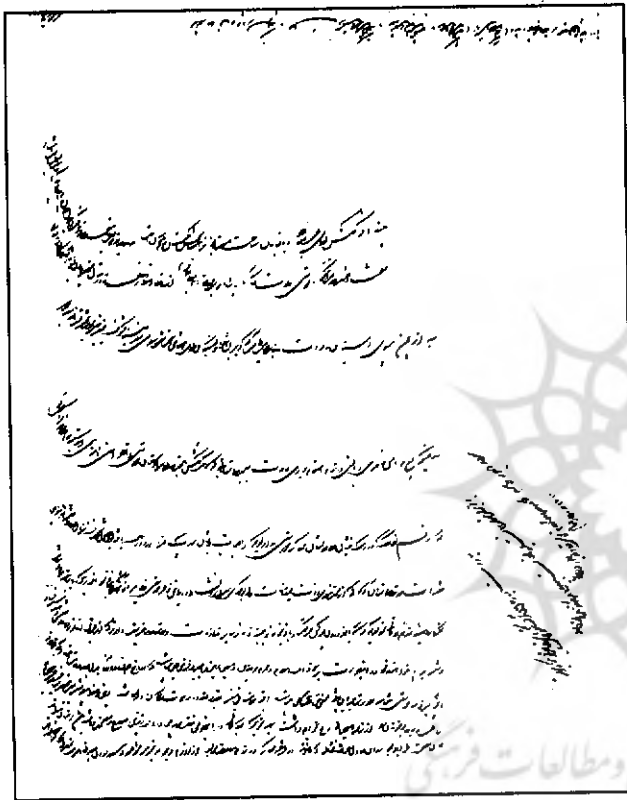
(۵)

نامه نجفقلی خان دنبلی^{۱۸} حاکم تبریز به

سلیمان پاشا والی چلدر

چندانکه گلشن آرای عرصه وجود، و باغبانان ساحت هست و بود، زهت بخش گلستان عالم امکان است، همواره حدیقه دولت و اقبال، و دوحه و شوکت اجلال ملازمان عالیجاه والا جایگاه، شهامت و بسالت انتباه، عظمت و حشمت جلالت دستگاه، دوستی و مودت آگاه، پاشای ذویالمجد و الوقار۔ ادام اجلاله العالی۔ از اقطار امطار افضال قادر متعال مخضّر و ریان بوده اثمار گوناگون مراودات بارآور سازد.

بعد از چمن پیرای بوستان دعوات وافیات فضایل آیات آن که دیرین شجره دلبستگان وادی اختصاص است مشهود رأی مهر ضیا و مکشوف ضمیر منیر مودت تخمیر قمر انجلا می دارد که در حینی که جمیع حواس ظاهری و باطنی در مقام استعمال مجاری حالات بهجت علامات می بود که گل گلشن مجدت و و داد سرا بوستان



اظهاری که در باب مقدمه جماعت متعاقب کفره روسیه - خذلهم الله تعالی - نموده بودید که گویا از درون چرخس حرکت و با توپخانه و جبه خانه و سایر تدارکات و مقدمات لازمه عزیمت دارند که از طریق آناتولی روانه تفلیس و هنگامه فساد و شر برپا خواهند نمود در این صورت بر کافه اهل اسلام و عموم موحدین و مسلمین عین واجب و فرض عینی می باشد که در دفع ماده فساد آنها بذل جهد و غایت اجتهاد به کار می برند آنچه بر نامه دوستی ختامه

* بایگانی صدارت عثمانی، استانبول، خط همایون، ش ۷۳/۸.
۱۸. نجفقلی خان: پسر شهباز خان دنبلی در ذی حجه ۱۱۷۷ از طرف کریم خان به حکومت تبریز منصوب شد. وی پدر عبدالرزاق بیگ دنبلی شاعر و مؤلف مآثر السلطانیه است. نجفقلی خان تا پایان عمر خود (۱۱۹۵ق) حاکم تبریز بود.

صورت جریان یافته محض حق و حق محض می باشد. البته دوستان نیز به قدرالمقدور و علی المقدار امکان در صیانت دین و حفظ بیضه شریعت حضرت محمدی و مسلمین ساعی و جاهد بوده خودشان را از زمره مسلمین درج خواهیم داشت. به هر نحوی که بندگان عالی در این خصوص به عقل دوربین و رأی رزین صلاح و مصلحت دانسته باشد دوستان نیز داخل همان مصلحت خواهیم بود.

در این اوان مسرت نشان که عالیشان مشارالیه فرستاده سرکار در مقام معاودت می بود از لوازم به تحریر صحیفه مراسله که در اوان بعد ظاهری به منزله مکالمه حضوری است مبادرت و به ارسال آن محرک شد سلسله دوستی و مرافقت گردید که پیوسته به نوید صحت ذات حمیده صفات و به ارجاع هرگونه خدمات، دوستان را مسرور و مبرور فرمایند که در تقدیم آن لوازم دوستی و داد به ظهور رسانده شود. الباقی ایام به کام باد. برب العباد.

پشت نامه

بالله تعالی شأنه العزیز: مودت نامه ملازمان عالیجاه رفیع جایگاه، عظمت حشمت معدلت دستگاه، شهامت بسالت انتباه، مناعت و شجاعت اکتناه، دوستی و مودت آگاه، پاشای ذوی المجد و الوقار، سلیمان پاشا دام اجلاله العالی*.

مهر در پشت نامه: عبده نجفقلی

اندازه نامه: ۳۰/۳×۴۳/۴

اندازه مهر: ۱×۱/۵

(۶)

نامه آقاسی خان^{۱۸} به صدراعظم عثمانی

به عرض می رساند

صفحه نشان ابلاغ دعوات و افیات مخالفت نهایت صادقانه مشهود خاطر عطفوت مظاهر معالی می گردد که در این ولا نظر به اینکه وادی صدق و اخلاص به صدور فرمان واجب الاذعان بندگان همایون سپهر اقتدار اشرف اقدس اعلی مشتمل بر عنایت بی غایت شفقتانه موازی یک عدد وقت ساعت و به انضمام یک هزار دانه اشرفی نصفیه و ربعیه

و چون مضامین شفقت و مرحمت آیین آنکه مشعر بر عنایت بی غایت حضرت پادشاه ظل الهی و محتوی بر وجود اعتدال مزاج و هاج کثیر ابتهاج بندگان نامتناهی بود نهایت شعف و شادمانی حاصل گشته سرمباهات به اوج السموات افراخت مسئلت از درگاه مئان واجب الاذعان آن را دارد که جمهور اخصام بدفرجام آن اوجاق سپهر رواق و تمام عداوت پردازان آن دولت ابدی پیوند بندگان عالی به عون و عنایت حضرت قادر تعالی شانه مقهور و مخذول باد بحق محمد واصحابه.

و سفارشات که در باب مراتب احوال روسیه که به عالیشان مشارالیه القا فرموده بودند عالیشان مزبور مقالات محوله را کماکان مبین و خاطر نشان عقیدت مندان نمود. و

* در اصل: «عذیم النذیر»

* بایگانی صدارت عثمانی، استانبول، خط همایون، ش ۳۳۳/۴.

۱۸. آقاسی بیگ پسر عسگریک در سال ۱۱۷۸ق پس از آنکه کریم خان بر آذربایجان مسلط شد از وی لقب خانی گرفت. آقاسی بیگ از رقبای سرسخت فتحعلی خان بود. در سال ۱۱۷۸ق شهر آقسو را تصرف نمود. در سال ۱۱۸۹ق در شهر الوند ساکن شد. در سال ۱۱۹۹ق در جنگ با فتحعلی خان شکست خورد و به حسین خان پناه برد. اما حسین خان او را کور کرد. آقاخان سرانجام در سال ۱۲۰۲ق گرفتار فتحعلی خان شد و در باکو به قتل رسید. (گلستانارم، ص ۱۶۱-۱۶۹).

نامه مشفقانه را مفتوح و هرگونه خدمات مرجوعات لایقه را قلمی و اعلام فرمایند که به تقدیم رسانیده شود. باقی [...] طویل باد.*

مهر: افوض امرالی الله عبده آقاسی

* بایگانی صدارت عثمانی، خط همایون، ش. ۹۴/E.

اینکه مشارالیه بعد از ابلاغ شرایط رساله مرحله پیمای طرق معاودت بود از این والا عالیقدر معلی مقدار خیرالحاج حاجی احمد بک به همراهی او روانه دربار شوکت‌مدار بندگان همایون اقدس اعلی و بر خود فرض عین دانسته به تحریر این عریضه الصداقه مبادرت ورزید و حقایق احوالات این ولا را البته عالیشان مشارالیه و عالی قدر مومی‌الیه در هنگام دریافت حضور وافر الحبور بندگان عالی کما هو حقه عرض و مصدع اوقات واقفان عالی خواهد ساخت. مستدعی چنان است که همواره ابواب

منابع

باکیخانوف (۱۹۷۰)، گلستان ارم، باکو، انتشارات علم؛
 جودت، احمد (۱۳۰۹)، تاریخ جودت، استانبول، مطبعه عثمانیه؛
 دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۴۶)، تجزیه الاحرار و تسلیه لایبراره، به کوشش حسن قاضی طباطبایی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ، دانشگاه تبریز، تبریز؛
 راسم، احمد (۱۳۲۷-۹)، عثمانلی تاریخی، استانبول، اقبال کتبخانه سی؛
 ریاحی، محمدامین (۱۳۷۸)، تاریخ خوری، تهران، طرح نو؛
 سامی، شمس‌الدین (۱۳۰۸)، قاموس اعلام، استانبول، مطبعه مهران؛
 صدر، کاظم (۱۳۲۲)، سیاست خارجی ایران، ترجمه دکتر جواد صدر، تهران، طرح نو؛
 شغاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زرین، تهران؛
 نصیری، محمدرضا (۱۳۵۴)، «چند سند تاریخی از دوره زندیه و قاجاریه»، بررسیهای تاریخی، سال دهم، شماره ۶؛
 _____ (۱۳۵۶)، «چند سند تاریخی»، بررسیهای تاریخی، سال دوازدهم، شماره ۳؛
 نظامی (۱۳۱۳)، شرفنامه، به کوشش وحید دستگردی، چاپ دوم؛
Başbakanlık Arşivi, İstanbul, Hatte Humayun Kismni;
Danışmend İsmail (1972), Hami izahlı osmanlı Tarihi,
Kronoljisi İstanbul, C.4;
Kurat: A kdes Nimet: (1970) Türkiye ve Rusya, Ankara
Universitesi Basimevi;
Uzunçarşılı, İsmail Hakki, (1978), osmanle Tarihi, Ankara,
Türk tarih Kurumu.■

